

## اعلان عادی سازی روابط با رژیم یهود خنجر مسموم بر پشت مردم فلسطین و به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر صحراء، هدیه مسموم توسط امریکا، برای پوشیدن زشتی‌ها!

(ترجمه)

دولت المغرب به تاریخ 2020/12/10م، به شکل رسمی اعلان نمود که پس از سال 2002 روابط خود را با رژیم یهود از سر آغاز می کند که این روابط شامل بازگشائی دفاتر اتصال، تسریع در افتتاح سفارت‌های متقابل و هم‌چنان تسهیل پروازهای مستقیم برای انتقال یهودیان مغربی و سیاحان رژیم یهودی به مراکش می‌شود.

طبق معمول رئیس جمهور امریکا مؤظف به اعلان توافقنامه شده تا بتواند وضع موجود (روابط با رژیم یهود) را در سرزمین‌های مسلمانان محکم سازد.

برای سرپوش گذاشتن این عمل شنیع و زشت امریکا دستور به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش را بر سرزمین‌های مورد مناقشه صحراء که از سال 1957 باقی مانده بود داده است.

در پاسخ به آن می‌گوییم:

1. به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر صحراء آن هم از طرف رئیس جمهور مستعفی حاصل شد که دوره حاکمیت آن ختم شده و چقدر آسان خواهد بود که رئیس جمهور بعدی از آن کناره‌گیری کند و از محتوای این توافق بیرون شود و یا از اجرای الزامات به تعویق بیندازد؛ چون می‌داند که پولیساریو ساخت امریکا است و تا زمانی که امریکا حاجت و منافع آن بر آورده نشود آن را رها نخواهد کرد. آیا مراکش از تصمیم خود برای عادی سازی با رژیم یهود در صورت عقب‌نشینی امریکا منصرف خواهد شد؟

2. مراکش از ابتداء به این رسمیت شناختن نیاز نداشت؛ چون 45 سال است که در زیر حاکمیت اش قرار دارد و جدا ساختن آن بسیار مشکل است. آیا پادشاه مراکش کسی نیست که مدت‌ها پیش گفت: «تا زمانی که الله کسی دیگری را وارث آن بگرداند، مراکش در صحرای خود است و صحراء در مراکش است.» پس چی شد که به رسمیت شناختن صحراء توسط امریکا خاک مقدس بیت المقدس را با هزینه متروکه عوض کرد؟

به رسمیت شناختن توسط امریکا قسمی که در تویت رئیس جمهور امریکا آمده است بیان می‌کند که پیشنهاد مراکش برای گسترش حاکمیت تنها اساس یک راه حل عادلانه و پایدار برای حل قضیه است به این معنی که حاکمیت مراکش ناقص است. استقلال طولانی مدت اختیارات بسیار گسترده‌ای را به صحراء می‌دهد و آسان‌تراز تغییرات جدایی طلبانه می‌باشد.

3. چه اتفاقی در قضیه فلسطین و چه تحول در سلوک رژیم یهود افتاده که مستحق است که همراه آن دولت‌های عربی یک به یک به روند عادی سازی می‌پیوندند؟ آیا از ریختن خون مسلمانان و غصب زمین‌های شان دست کشیده و یا از تخریب و تعدیب کودکان؟ پس به خاطر این هدیه مجانی چگونه خود را برائت می‌دهید؟ یا این که فروتنی در برابر فشار امریکا و عدم توانائی در مواجهه به آن و در خواست امنیت از او از مقدس ترین قضایائی مسلمانان دست می‌کشید؟

به درستی همه می‌دانند که عادی‌سازی روابط دیپلماتیک و تجارتي بين مراکش و رژیم یهود در سال 2002 متوقف نگردیده بود، آن زمان که خبر تعطیلی دفتر ارتباطات رژیم یهودی را در رباط اعلان کرد؛ بلکه از آغاز تأسیس رژیم یهودی همه می‌دانستند که تماس‌ها بين رژیم یهود و دولت مراکش موجود بوده و در توافق نامه کمپ دیوید بين مصر و رژیم یهود، مراکش نیز کار خود را اتمام کرده بود.

بلی، همه این را می‌دانستند؛ اما نظام از ترس واکنش مردم جرئت نمی‌کرد که در مورد آن رک و پوست کنده باشد؛ زیرا میزان تمایل مردم را نسبت به بیت المقدس می‌داند که خود را برای آن فدا می‌کنند؛ اما امروز این جرئت را دارند، این قدم شنیع را بر می‌دارند و خنجر جدید را در پشت مسلمانان می‌کارند و این انتخاب به شکل واضح نشان می‌دهد که به طرف دشمنان امت هستند.

امروز چگونه است، زمانی که پادشاهان تفرقه‌انداز همراه با کفار برای جنگ علیه برادران خود متحد شدند و بهای اتحاد خود را فروختن شهر و قلعه‌های مسلمانان تعیین کردند و گذشته چگونه بود، هنگامی که حاکمان دولت ایوبی بیت المقدس را از دست صلیبی‌ها و بخاطر برادران خود با آن‌ها جنگ کرد تا بیت المقدس را آزاد کرد که امروز ما هم با همان واقعیت زندگی می‌کنیم. بنابر این امریکا به خاطر شناخت حاکمیت مراکش بر صحرا خودش به دنبال پیروزی بر دشمنان مسلمان خود (پولیساریو/الجزایر) بودند که مراکش روابط خود را با فلسطین تیره و با متجاوز عادی سازد.

امریکا مسئله صحرا را یافت تا از این طریق از مراکش اخاذی کند و به مراکش نفوذ و از آن طریق به شمال افریقا دسترسی پیدا کند. خلاصه افتادن در دامان امریکا و امید صداقت به وعده‌های ناقص آن در زیر سایه حاکمیت فعلی که نوید پیروزی آن را داده است، در حقیقت این ضربه‌ای است که امریکا وارد کرد و از این طریق داخل اضطرابات سیاسی شد که نتیجه‌اش نفاق‌ها وجدای خواهد بود. تاریخ گواه است که به رسمیت شناختن حاکمیت رؤیایی استقلال را ایجاد نساخته؛ بلکه راه استعمار را هموار نموده است.

مسئله فلسطین بخش جدا ناپذیر از باورها و عقیده مسلمانان است که الله آن را به مسجد الحرام پیوند داده و هیچ کس نمی‌تواند در ذهن مسلمانان وارد شود تا از حمایت و یا خودداری آن چشم پوشی کنند و یا نصرت و تلاش مردم برای آزادی کامل آن وجوبیت ندارد. پس هیچ تفاوت بین اشغال 48 و 67 وجود ندارد و الله سبحانه و تعالی هر یک از متخادلین آخر را افشا ساخته و طیب را از خبیث جدا ساخته است؛ چنانچه مردم می‌دانند که فایده و امید از دولت‌های ظالم نیست و این دولت‌های از زاویه دید عاقلان ساخته و پرداخته استعمار کافر است. از شرق الی غرب دولت‌های ایجاد شده اند که برای حفظ منافع و توطئه علیه مسلمانان تلاش دارند و خدمت به مردم نکرده اند، این دولت‌ها چیزی را مالک نیستند؛ الا مقداری که ارباب‌شان تعیین نموده و قدرت انحراف یک انچ را از چیز تعیین شده ندارند. در حقیقت همه ترس‌ها و طمع و جاطلبی‌ها و لو خفیف تاج تخت را بخاطر اطمینان و ضمانت سند حمایت امریکا انجام می‌دهند، این‌ها از مردم مسلمان مراکش برائت حاصل نمی‌کنند و از نفرین دومیلیارد مسلمان که به خیانتکاران بیت المقدس حواله دارند و قلب‌های شان معلق به آن است و چشم‌های شان در انتظار طلوع آزادی آن است، برائت حاصل نخواهند کرد.

بنابر این، با چنین رسمیت شناختن از طرف امریکا دولت مراکش در زیر شمشیر باجگیری آن باقی خواهد ماند؛ چون رژیم بیشترین حرص را در عدم مخالفت با امریکا دارد که سخن‌اش را نقض و پس نگیرد و طرح منجمد نشود.

ای مسلمانان! در واقع ما شدت غم و اندوهگینی مخلصین تان را می‌دانیم؛ اما نگذارید ناامیدی به قلب شما وارد شود و نه بگذارید که حزن و بار ملامت نظام باطل بر شما غلبه کند؛ زیرا حق اعلی و ماندگار می‌باشد و کسی که ضن این را دارد که باطل پیروز است، در حقیقت گمان سوء به الله سبحانه و تعالی نموده است. اگر فعلاً فکر ایجاد دولت دیگری را دارید؛ پس به راه حل بنیادی و اساسی توجه نمائید که همیشه شما را به آن دعوت کرده‌ایم، یعنی خلافت راشده بر منهج نبوت که وعده الله سبحانه و تعالی و بشارت رسول وی است که در چند ساعت یهود را از زمین ریشه کن می‌کند و در میان تان شریعت الله سبحانه و تعالی را برپا می‌دارد و شما را از ظلم حکام فاسد و مفسد خلاص می‌کند و زندگی سازگار و گوارا و نیز کریمی را خواهید داشت که عزت دنیا و نیکی ثواب آخرت را هم خواهید داشت.

**نویسنده: خالد رضوان**

**مترجم: پارسا امیدی**

**12 دسمبر 2020م**